

در باب شعار راهبردی سال

مدیریت تنگه هر مز

واکنش هوشمند در سایه اقتصاد مقاومتی

نام گذاری سال ۱۴۰۵ با عنوان «اقتصاد مقاومتی در سایه وحدت ملی و امنیت ملی» در امتداد یک مسیر فکری تعریف می‌شود که از زمان ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در بهمن ۱۳۹۲ شکل گرفت واکتون در شرایطی متفاوت وارد مرحله اجرا وعینیت‌یابی شده‌است.در میان پهندهای این سیاست‌ها، بند ۲۲ دولت را با هماهنگ‌سازی و بسیج پویای همه امکانات کشور به «مدیریت مخاطرات اقتصادی از طریق تهیه طرح‌های واکنش هوشمند،فعال،سریع و به هنگام در برابر مخاطرات و اختلال‌های داخلی و خارجی» مکلف کرده‌است.طبعاً این بند، در فضای کنونی که کشورمان مورد حمله «طبقه اسپسیتین» واقع شده، به یک چارچوب عملیاتی برای تصمیم‌گیری تبدیل شده‌است.

تحولات اخیر در خلیج همیشه فارس و به‌ویژه نحوه مدیریت تنگه هرمز از سوی نیروهای مقتدر مسلح کشورمان پیرو تجاوز نظامی رژیم آمریکا ونیروی نیابتی‌اش در غرب آسیا، یعنی رژیم موقت صهیونیستی، بستری فراهم کرده‌است تا این بند به‌صورت عینی مورد ارزیابی قرار گیرد. تنگه هرمز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های انرژی جهان، روزانه محل عبور حدود ۲۰ میلیون بشکه نفت وبخش قابل توجهی از تجارت LNG است. این حجم از جابه‌جایی، این آبراه را به نقطه‌ای حساس در اقتصاد جهانی تبدیل کرده وتغییر در وضعیت آن، بلافاصله در شاخص‌های کلان اقتصادی جهان بازتاب پیدا کرده‌است به طوری که بازار جهانی انرژی با در حال تحمل درد روزافزون است.

قیمت نفت برنت کابوس سران دولت‌های غربی شده و هم‌زمان، هزینه حمل‌ونقل دریایی نفتکش‌ها افزایش یافته و نرخ بیمه ریسک جنگ در مسیر خلیج فارس رشد چشمگیری داشته‌است وبرخی گزارش‌ها از افزایش دو تا سه‌برابری نرخ نرها حکایت دارد. این تغییرات به‌صورت زنجیره‌ای به سایر بخش‌های اقتصاد جهانی منتقل می‌شود به‌طوری که هزینه تأمین انرژی برای اقتصادهای واردکننده افزایش می‌یابد وفشار تورمی در بازارهای مصرفی تشدید می‌شود. در چنین شرایطی، نحوه مواجهه ایران با این موقعیت، واجدامهیت تحلیلی است.مدیریت هوشمند تنگه هرمز پس از این تحولات، وارد مرحله‌ای متفاوت شده‌است. مقامات کشورمان به‌صراحت اعلام کرده‌اند که وضعیت این گذرگاه دیگر مشابه گذشته نخواهد بود وفواید جدیدی بر آن حاکم خواهد شد. این تغییر، در چارچوب بند ۲۲ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی قابل فهم است که بر لزوم طراحی واکنش‌هایی تأکید می‌شود که هم‌زمان بتواند تهدید را مدیریت کند وهزینه رفتارهای خصمانه را افزایش دهد.

یکی از مصادیق این تغییر رویکرد، طرح دریافت عوارض از عبور کشتی‌ها در تنگه هرمز است که در حال طی کردن فرآیندهای قانونی در مجلس شورای اسلامی قرار دارد. چنین اقدامی، در صورت طراحی دقیق، می‌تواند به‌عنوان یک ابزار اقتصادی در مدیریت این گذرگاه عمل کند. دریافت عوارض علاوه بر ایجاد منبع درآمدی جدید،امکان تنظیم رفتار بازیگران مختلف را نیز فراهم می‌آورد. کشورهایی که به‌دنبال استفاده از این مسیر هستند،ناگزیر خواهند بود هزینه‌های مشخصی را بپذیرند ودر عین حال، برای کاهش این هزینه‌ها به سمت تعامل ومهاجنگی بیشتر حرکت کنند. این رویکرد، زمانی‌اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که آن را در بستر اقتصاد جهانی بررسی کنیم. در شرایطی که بسیاری از کشورها با کسری بودجه فشارهای تورمی مواجه هستند،انتظار می‌رود هزینه انرژی و حمل‌ونقل می‌تواند آثار قابل توجهی بر رشد اقتصادی آن‌ها داشته باشد. بر اساس برآوردهای نهادهای بین‌المللی، هر ۱۰ دلار افزایش در قیمت نفت، می‌تواند رشد اقتصادی را حدود ۰٫۲ تا ۰٫۳ درصد کاهش دهد. در چنین قضایی، تغییر در وضعیت تنگه هرمز، به‌طور مستقیم بر چشم‌انداز اقتصاد جهانی اثرگذار خواهد بود وكشورها را به سمتی هدایت خواهد کرد که به سمتی حرکت کنند که اجازه ندهند رژیم‌های یاغی اقتصاد جهان را به مخاطره بیندازند.

از سوی دیگر، تجربه مقاومت حدود یک ماهه ایران اسلامی در برابر تجاوز وحشیانه طبقه اسپسیتین» نشان داده‌است که اختلال در این مسیر، به سرعت به سایر بازارها نیز سرایت می‌کند. افزایش هزینه بیمه، طولانی شدن زمان حمل‌ونقل وتغییر مسیر کشتی‌ها، ونزحیره تأمین انرژی تحت تأثیر قرار داده‌است. برخی شرکت‌های کشتیرانی ناچار شده‌اند مدت‌های روی آب روی آب بیابندو چنین فرایندی منجر به افزایش هزینه سوخت وزمان تحویل کالا و در نهایت به افزایش قیمت کالاها در بازارهای مصرفی شدن است وطبعاً مردم کشورهای مختلف درحال تحمل تاوان همراهی سران کشورشان باقلندری رژیم آمریکا هستند.

دقیقاً در چنین بستری،مدیریت هوشمندانه تنگه هرمز به‌عنوان ابزارمهم تنظیم‌گر در اقتصاد منطقه‌ای وجهانی عمل می‌کند ودر چارچوب اقتصاد مقاومتی، به معنای استفاده هدفمند از ظرفیت‌های موجود برای کاهش آسیب‌پذیری وافزایش قدرت چانه‌زنی است. نکته قابل توجه آن است که اجرای چنین سیاستی، نیازمند زیرساخت‌های حقوقی وتهدای مناسب است که خوشبختانه در کشورمان وجود دارد و به ملاحظاتی بین‌المللی و حقوق درناوردی نیز توجه می‌شود تا این اقدام با کمترین جالش حقوقی مواجه شود.

در سطح داخلی، این سیاست می‌تواند به تقویت منابع درآمدی و کاهش وابستگی به درآمد‌های سنتی کمک کند. در عین حال، پیام روشنی نیز به بازیگران خارجی می‌کند مبنی بر اینکه استفاده از ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی ایران، تابع قواعد جدیدی خواهد بود که بر اساس منافع ملی تعریف شده‌اند. این پیام، در چارچوب اقتصاد مقاومتی، به معنای افزایش تاب‌آوری وكاهش اثرگذاری فشارهای خارجی است.دیدهی است مدیریت مخاطرات اقتصادی، نیازمند نگاه بلندمدت و برنامه‌ریزی دقیق است و تنگه هرمز به‌عنوان یک نمونه عینی نشان داده‌است که چگونه می‌توان با استفاده از یک ظرفیت راهبردی، هم‌زمان بر معادلات اقتصادی وسیاسی اثر گذاشت. ادامه این مسیر، مستلزم تقویت هماهنگی نهادی، توسعه ابزارهای تحلیلی وتکمیل زیرساخت‌های قانونی است که در صورت طی شدن، می‌تواند جایگاه اقتصادی ایران کهن را در شرایط پریسک جهانی تثبیت کند.

به هسر روی دریاچه عوارض از گذرگاه‌های دریایی، بخشی از قواعد تثبیت‌شده اقتصاد حمل‌ونقل بین‌المللی است و کانال‌های دریایی مختلف با وجود آنکه از نظر حجم وحساسیت انرژی قابل مقایسه با تنگه هرمز نیستند، سالانه میلیاردها دلار از محل عبور کشتی‌ها در آمد کسب می‌کنند. حتی آبراههایی با اهمیت کمتر نیز با ارائه خدمات ناوبری، ایمنی و پشتیبانی، چارچوب‌هایی برای دریافت هزینه تعریف کرده‌اند. در چنین فضای، حرکت به سمت دریافت عوارض از تنگه هرمز، در امتداد یکی روه شناخته‌شده جهانی قرار می‌گیرد ومانظر اقتصادی وحقوقی قابل تبیین است.

آنچه این موضوع را برای ایران متمایز می‌کند، هم‌زمانی پستوانه نظری و شرایط میدانی است. از یک‌سو، بند ۲۲ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، دولت را به طراحی واکنش‌های هوشمند در برابر مخاطرات اقتصادی مکلف کرده‌است. از سوی دیگر، تجاوز اخیر و پیامدهای آن، ضرورت بازتعریف نحوه بهره‌برداری از این گذرگاه را به یک مطالبه راهبردی تبدیل کرده‌است. این وضعیت، امکان تبدیل یک تهدید پرهزینه به یک ابزار تنظیم‌گر اقتصادی رافراهم کرده‌است.

در این چارچوب، طرح دریافت عوارض از تنگه هرمز، فقط یک تصمیم درآمدی نیست، بلکه بخشی از یک معماری جدید در مدیریت این گلوگاه به شمار می‌رود و می‌تواند هم به جبران بخشی از هزینه‌های تحصیل کمک و هم رفتار بازیگران مختلف را در استفاده از این مسیر تنظیم کند. در چنین شرایطی، جمله معروف حاج قاسم عزیز اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند که معتقد بود «همین فرصتی که در بحران‌ها وجود دارد در خود فرصت‌ها نیست.» این نگاه، اکنون در سطح سیاست‌گذاری اقتصادی قابل مشاهده است. شرایطی که در ظاهر با تهدید وفشار همراه بوده، بستری فراهم کرده‌است تا از دل آن یک فرصت تاریخی استخراج شود و در حال تحقق آن هستیم.

شنبه ۸ فروردین ۱۴۰۵ | ۸ شوال ۱۴۴۷ ||||| روزنامه جوان | شماره ۷۵۵۷ ||||| سرویس اقتصادی ۳۳۰۸۸۹۸۴۳۳۰

📰 گزارش

هادی اسماعیلی

مدیریت هوشمند تنگه هر مز با سازوکارهای جدید تثبیت می‌شود

نظم تازه در تنگه هرمز

کاهش کم‌سابقه تردد نفتکش‌ها و تغییر مسیر تجارت جهانی، نشان می‌دهد مدیریت هوشمند تنگه هرمز

معادلات انرژی و امنیت دریایی را دگرگون کرده‌است



کاهش محسوس عبور کشتی‌ها، تغییر تر کپی ناوگان‌های دریایی وافزایش بهای نفت،همگی نشانه‌هایی از شکل‌گیری واقعبینی تازه در گذرگاه راهبردی هرمز است چه آنکه پیرو تجاوز وحشیانه رژیم تروریستی آمریکا وسگنگ‌نگهبانش در منطقه غرب آسیا یعنی رژیم کودکش صهیونیستی به خاک ایران اسلامی، تهران با استکا به حق دفاع مشروع، وسازوکاری جدید برای مدیریت عبور ومرور دریایی طراحی کرده‌است که هدف آن، تأمین امنیت ملی و جلوگیری از سوءاستفاده‌های بازیگران منخاص معجز را می‌شود. داده‌های دریاوردی و اظهارات فعالان صنعت کشتیرانی نشان می‌دهد این سازوکار توانسته‌است کنترل مؤثری بر تردها ایجاد کند، در حالی که مسیر عبور برای کشورهاییکه در چارچوب قواعد بین‌المللی حرکت می‌کنند، همچنان باز باقی مانده‌است. 🇮🇷🇮🇷🇮🇷

تحولات اخیر در تنگه هرمز را باید در بستر یک تقابل گسترده‌تر تحلیل کرد که باحاملات نظامی مستقیم علیه ایران وارد مرحله‌ای بی‌سابقه شد وواکنش تهران را به‌عنوان یک ضرورت امنیتی نشان داد. در چنین شرایطی، کنترل این گذرگاه راهبردی به یکی از ابزارهای کلیدی کشورمان تبدیل شده‌است. بررسی داده‌های ترده کشتی‌ها نشان می‌دهد که حجم عبور از این مسیر در بازه زمانی کوتاهی با کاهش چشمگیر مواجه شده و این روند نتیجه‌اعمال یک نظم جدید در یایی کشورهایی هستند که روابط اقتصادی باتبائی با

📰 تحلیل

ضرورت تغییر موازنه و لزوم بهره‌گیری از ظرفیت‌های چین در کنار پاکستان

یک الزام راهبردی محسوب می‌شود. در صورت غیبت یکن در این معادلات، معماری تجارت ما عملاً در قالب سه‌گانه نامتقارن «ایران، پاکستان و آمریکا» باز تولید خواهد شد، وضعیتیکه فاقد موازنه لازم برای تأمین منافع ملی ایران است. در موجب شد تا مسیرهای احتمالی و پیشگیری وزنجیره‌های تأمین متعارف، کارایی خود ازدست‌داده وبااختلالات ساختاری مواجه گردند.

در همین چارچوب، به‌منظور مصون‌سازی اقتصاد کشور در برابر تکان‌های احتمالی و پیشگیری از بروز بحران در حوزه امنیت غذایی، تسنیر سناریوها و راهکارهای جایگزین در دستور کار تصمیم‌گیران وتحلیلگران قرار گرفته‌است.

یکی از سناریوهای مطرح و پر تکرار در محافل کارشناسی طی مقطع کنونی، تمرکز بر واردات کالاهای اساسی وتأمین نیازهای اولیه از طریق کشور پاکستان است. اگرچه بهره‌گیری از ظرفیت‌های همسایگی در گام نخست رویکردی مثبت واجتناب‌ناپذیر ارزیابی می‌گردد، اما اتکالی صرف به این راهبر، فاقد جامعیت لازم بوده و نیازمند آسیب‌شناسی دقیق است. در تدوین سیاست‌های نتایج، بافتار اهمیت‌گیری‌های اقتصاد سیاسی پاکستان حائز اهمیت راهبردی است. ایجاد وابستگی استراتژیک به این کشور در حوزه امنیت غذایی، به دلیل نفوذ بالای نهاد نظامی در فرآیندهای تصمیم‌گیری کلان و همچنین حضور ساختاری و برننگ ایالات متحده آمریکا در ارکان سیاسی این کشور، متضمن ریسک‌های امنیتی قابل توجهی خواهد بود.

به‌منظور برون‌رفت از این چالش‌و ارتقای ضرب‌الطمینان راهکارهای پیشنه‌شده، ادغام ظرفیت‌های کشور چین در این ابتکار تجاری،

اقتصاد

شنبه ۸ فروردین ۱۴۴۷ ||||| روزنامه جوان | شماره ۷۵۵۷ ||||| سرویس اقتصادی ۳۳۰۸۸۹۸۴۳۳۰

مدیریت هوشمند تنگه هر مز با سازوکارهای جدید تثبیت می‌شود

نظم تازه در تنگه هرمز

کاهش کم‌سابقه تردد نفتکش‌ها و تغییر مسیر تجارت جهانی، نشان می‌دهد مدیریت هوشمند تنگه هرمز

معادلات انرژی و امنیت دریایی را دگرگون کرده‌است

بحرانی بودن اوضاع می‌شود. در این شرایط، نقش جمهوری اسلامی ایران در مدیریت عرضه انرژی اهمیت دوچندان پیدا کرده‌است. با وجود محدودیت‌های اعمال‌شده، جریان صادرات انرژی به‌طور کامل متوقف نشده ومسیرهایی برای ادامه تجارت باقی مانده‌است. این موضوع نشان می‌دهد که ایران به‌دنبال ایجاد اختلال کامل در بازار نیست، بلکه تلاش می‌کند استفاده کند.فزايش قيمت‌نفت همچنين تاثيرات گسترده‌ای بر اقتصاد جهانی دارد. کشورهایی که وابستگی بالایی به واردات انرژی دارند، با فشار هزینه‌ای مواجه می‌شوند واحتمال افزایش تورم در آنها بالا می‌رود. در مقابل، برخی تولیدکنندگان انرژی از این شرایط بهره‌مند می‌شوند.

🇮🇷 **پیامدهای سیاسی واقتصادی ادامه بحران** ادامه وضعیت فعلی می‌تواند آثار بلندمدتی بر اقتصاد جهانی بر جای بگذارد. اختلال در زنجیره تأمین، افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل وناطمینانی در بازارها، از جمله عواملی هستند که روند رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. حتی در صورت کاهش تنش‌ها، بازگشت به شرایط عادی زمان‌بر خواهد بود. در سطح سیاسی، این تحولات به‌بازتعریف روابط میان کشورها منجر شده‌است. برخی دولت‌ها تلاش کرده‌اند مواضع مستقل‌تری اتخاذ کنند و از همراهی کامل با اقدامات نظامی ایران داندن یاد در چارچوب تعاملات غیر تنش‌آمیز فعالیت می‌کنند. این موضوع نشان می‌دهد که سیاست دریایی ایران بر اساس تفکیک میان بازیگران مختلف تنظیم شده و رویکردی مبتنی بر هماهنگی‌های از پیش تعیین‌شده و هدفمند در دنبال می‌کند. وهمین امر نشان دهنده هوشمند بودن مدیریت تنگه هرمز است و این بسا چنین راهبردی، درد اقتصادی بیشتری به متجاوزان تحمیل خواهد کرد.

🇮🇷 **بازتاب تحولات در بازار جهانی انرژی**

تنگه هرمز به یکی از اصلی‌ترین مسیرهای انتقال نفت در جهان، با تغییراتی کسه در وضعیت آن شکل گرفته، به سرعت در بازارهای انرژی اثر کوثر گذاشته‌است به طوری که افزایش قیمت نفت در روزهای اخیر را می‌توان یکی از مهم‌ترین نشانه‌های تأثیر این تحولات دانست. بازار جهانی با در ک محدودیت‌های ایجادشده در عرضه واکنتی افزایشی نشان داده و این روند بیانگر نگرانی فعالان اقتصادی از تداوم شرایط فعلی است. در روزهای اخیر را می‌توان یکی از مهم‌ترین نشانه‌های تأثیر این تحولات دانست. بازار جهانی با در ک محدودیت‌های ایجادشده در عرضه واکنتی افزایشی نشان داده و این روند بیانگر نگرانی فعالان اقتصادی از تداوم شرایط فعلی است.

نکته قابل توجه، تغییر رفتار بازار در قبال اظهارات سرکردگان طبقه اسپسیتین همچون رئیس سبک‌سوز رژیم آمریکاست. در حالی که در گذشته، تهدیدهای لفظی می‌توانست نوسانات شدید ایجاد کند، اکنون بازار بیش از هر چیز به واقعیت‌های میدانی توجه دارد. این تغییر رویکرد نشان می‌دهد که اعتبار برخی مواضع سیاسی کاهش یافته وفاعلان اقتصادی تصمیماتی خود را بر اساس داده‌های ملموس اتخاذ می‌کنند و البته رفته رفته حنای دروغ‌های رنگارنگ رژیم تروریستی آمریکا رنگ می‌بازد و اقتصاد متوجه

تجارت جهانی و روابط بین‌الملل داشته‌باشد.

تجارت جهانی و روابط بین‌الملل داشته‌باشد.

تکمیل و استاندارد‌سازی خط ریلی مشترک میان ایران و پاکستان و اتصال نهایی آن به شبکه ریلی چین در اولویت برنامه‌های عمرانی کشور

کاهش می‌دهد، بلکه مسیر ترانزیتی امنی را به‌دوراز تهدیدات فراینده در پهنه‌های آبی فراهم می‌آورد. در امتداد این اقدام زیرساختی، تعریف بسته‌های سرمایه‌گذاری مشترک ودعوت رسمی از شرکتهای دولتی چین جهت مشارکت فعال در توسعه‌بخش لجستیک، احداث سیلوهای ذخیره‌سازی غلات وتجهیز پایانه‌های مرزی مشترک میان ایران و پاکستان حائز اهمیت راهبردی است. در نهایت، تحقق کامل این اهداف مستلزم یک تغییر پارادایم بنیادین در دستگاه دیپلماسی اقتصادی کشور است؛ گذاری الزامی که در آن نگاه سنتی مبتنی بر «تجارت مرزی خرد» باپاکستان، جای خود را به رویکرد «ترانزیت استراتژیک کلان» بامحوریت چین بدهد.

🇮🇷 **جمع‌بندی**

همکاری دوجانبه با پاکستان به‌عنوان یک اقدام تسکینی در شرایط اختلال زنجیره‌های تأمین جهانی قابل ارزیابی است، اما به‌عنوان یک راهبرد پایدار فاقد کارایی لازم است. دستیابی به ثبات قطعی در تأمین کالاهای استراتژیک، نیازمند معماری جدیدی است که در آن وزن ژئوپلیتیک چین به‌عنوان قدرت تنظیم‌گر به کار گرفته شود. شکل‌گیری سه‌گانه «ایران، پاکستان و چین» توسعه زیرساخت‌های ریلی متصل به آن، می‌بایست به‌عنوان محور اصلی برنامه‌های توسعه زیربنایی و دیپلماسی اقتصادی کشور در دستور کار قرار گیرد.

🇮🇷 **الزامات اجرایی و پیشنهادهای سیاستی**

جهت عملیاتی نمودن این ابتکار سه‌جانبه و پیاده‌سازی موفق آن، اتخاذ مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ توسط نهادهای تصمیم‌ساز ضروری است. در گام نخست، می‌بایست تسریع در توسعه زیرساخت‌های ریلی شرقی – غربی در دستور کار قرار گیرد؛ به‌نحوی که احداث،

نگارخانه



بازار هم

متوجه دروغ‌های رژیم آمریکا شد

بازار جهانی نفت این روزها شاهد رفتارهای متفاوت از گذشته است که بیش از هر چیز نوعی بیانگر تغییر در نحوه ادراک ریسک‌های سیاسی تلقی می‌شود. افزایش دوباره قیمت نفت پس از اظهارات اخیر رئیس رژیم آمریکا، نشانه‌ای از این تغییر محسوب می‌شود چه آنکه بی‌توجه به دروغ‌بافی‌های رژیم آمریکا برای مدیریت بازار انرژی مسیر خود را می‌رود وطبعاً زمانی که تهدیدها اثرگذاری خود را از دست می‌دهند، بازار به سمت واقعیت‌های عینی حرکت می‌کند و این دقیقاً همان اتفاقی است که اکنون در حال رخ دادن است.

در هفته گذشته، اعلام یک مهلت زمانی برای مذاکرات با ایران که در راستای فریب رژیم تروریستی آمریکا مطرح شد، توانست به‌طور موقت قیمت نفت را مقداری کاهش دهد چراکه بازار در آن مقطع، این پیام را به‌عنوان نشانه‌ای از احتمال تغییر در مواضع ایران مقتدر تفسیر کرد وواکنش خود را در قالب افت قیمت‌ها نشان داد. اما تکرار همان الگو با ادبیاتی متفاوت، این بار نتیجه‌ای معکوس به همراه داشت به طوری که تعویق جدید در تهدید حمله به تأسیسات انرژی کشورمان که باز هم در راستای فریب دشمن قابل تحلیل است، باعث کاهش قیمت نشد، بلکه بازار را به سمت افزایش دوباره هدایت کرد.

این تفاوت واکنش را باید در کاهش اعتبار سیگنال‌های سیاسی جست‌وجو کرد. بازار نفت به‌طور سنتی به اخبار ژئوپلیتیک حساس بوده‌است و این حساسیت وقتی تشدید می‌شود که پیام‌ها از انسجام وقابلیت تحقق برخوردار باشند. هنگامی که تهدیدها به‌صورت مکرر مطرح می‌شوند و در عمل به‌خاطر تهدید قاطعانه جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر زدن سسر در مقابل چشم، به اقدام مشخصی منجر نمی‌شوند، به تدریج اثرگذاری خود را از دست می‌دهند. در چنین شرایطی، فعالان بازار ترجیح می‌دهند تصمیمات خود را بر اساس داده‌های واقعی وقابل سنجش اتخاذ کنند.

بازار نفت به مرحله‌ای از بلوغ رسیده که میان «گفتار سیاسی» و «واقعیت عملی» تمایز قائل می‌شود. افزایش قیمت‌ها پس از توتیت اخیر رئیس رژیم تروریستی آمریکا، در واقع بازتاب این درک جدید است که بازار متوجه استفاده این رژیم از حره کثیف فریب در مقابل مقاومت جانانه محور مقاومت شده‌است اما ریسک‌های ساختاری همچنان پابرجاست. این ریسک‌ها بیشتر به وضعیت میدانی در منطقه و به‌ویژه تنگه هرمز مرتبط است، جایی که ایران در حال اعمال کنترل بیشتری بر تردد کشتی‌ها است.

در این میان، نقش ایران به‌عنوان یک بازیگر تعیین‌کننده در بازار انرژی بیش از گذشته برجسته شده‌است. مدیران هدفمند تنگه هرمز و ایجاد قیمت‌های پایدار نظری جدید، تحولات داده‌است که ایران توانایی تأثیرگذاری مستقیم بر جریان عرضه انرژی را دارد و ین واقعیت باعث شده‌است که بازار، تحولات مرتبط با ایران را با دقت بیشتری دنبال کند ووزن بیشتری به آن بدهد.

افزایش قیمت نفت به بالای ۱۰۹ دلار را باید در همین چارچوب تحلیل کرد. بازار به این جمع‌بندی رسیده‌است که تهدیدهای لفظی نمی‌تواند جایگزین واقعیت‌های میدانی شود. در شرایطی که مسیرهای انتقال انرژی با محدودیت مواجه شده وهزینه‌های حمل‌ونقل افزایش یافته‌است، انتظار کاهش پایدار قیمت‌ها چندان منطقی به نظر نمی‌رسد. این موضوع به‌ویژه برای کشورهایی که به واردات انرژی وابسته هستند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

در منظر اقتصادی، می‌تواند به تحولات پیامدهای قابل توجهی به همراه دارد. افزایش قیمت نفت به این روند منجر شده، به‌عنوان یک تهدید تولید در نهایت افزایش تورم در سطح جهانی منجر شود. در مقابل، کشورهایی که از منابع انرژی برخوردار هستند، فرصت بیشتری برای بهره‌برداری از این شرایط خواهند داشت. ایران در این میان، با وجود فشارهای خارجی، توانسته جایگاه خود را به‌عنوان یک بازیگر اثرگذار حفظ کند.

پیوند این تحولات با شعار سال نیز قابل توجه است. زمانی که اقتصاد یک کشور وفشارهای خارجی مواجه می‌شود، اهمیت تکیه بر ظرفیت‌های داخلی ومدیریت هوشمند منابع بیش از پیش نمایان می‌شود. تجربه اخیر بازار نفت نشان می‌دهد که اتکا به توان داخلی استفاده از ابزارهای راهبردی می‌تواند در برابر فشارهای خارجی، نوعی موازنه ایجاد کند. این همان رویکردی است که در سیاست‌های کلان اقتصادی کشور مورد تأکید قرار گرفته‌است.

در شرایطی که بی‌ثباتی در سطح بین‌المللی افزایش یافته، کشورهایی موفق‌تر عمل می‌کنند که بتوانند تصمیمات خود را بر اساس تحلیل دقیق شرایط اتخاذ کنند. ایران با مدیریت تنگه هرمز وحفظ جریان تجارت انرژی، نشان داده‌است که می‌تواند میان ملاحظات امنیتی واقتصادی تعادل برقرار کند. این تجربه به‌عنوان یک الگو در سایر حوزه‌های اقتصادی نیز مورد توجه قرار گیرد.

بازار نفت اکنون در حال ارسال این پیام است که دوره اثرگذاری تهدیدهای سیاسی به پایان رسیده و این ایران است که هر حرفی که می‌زند، برای تأثیرگذاری واقعی، اقدامات عملی نیز انجام دهد. در چنین فضای، کشورهایی که از ابزارهای واقعی قدرت برخوردار هستند، دست برتر را خواهند داشت. ایران با تکیه بر موقعیت ژئوپلیتیک و منابع انرژی خود، توانسته‌است در این معادله نقش فعالی ایفا کند.

در نهایت، آنچه از تحولات اخیر می‌توان برداشت کرد، تغییر در قواعد بازی در بازار انرژی است. بازاری که روزگاری به ریسگنال سیاسی واکنش نشان می‌داد، اکنون به مرحله‌ای رسیده که به واقعیت‌های قابل لمس توجه می‌کند. این تغییر، فرصت‌هایی را برای کشورهایی فراهم می‌کند که بتوانند از ظرفیت‌های خود به‌درستی استفاده کنند. ایران در شرایط کنونی، با بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها، توانسته‌است جایگاه خود را در این بازار حفظ کرده وحتی تقویت کند.



🇮🇷 **بزهشگر تعاملات بین‌الملل**